خبرها

پیش‌نویس بیانیه مجاهدین تصویب شد

ایسنا : در جلسه مشترک شورای سیاسی و شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ترتیبات برگزاری کنگره این تشکل در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته جاری مورد بررسی اعضا قرار گرفت . محسن آرمین سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با اعلام این خبر گفت : در این جلسه متن پیش‌نویس بیانیه مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و مقرر شد که این متن در اختیار اعضای کنگره قرار داده شود تا طی دو روز برگزاری کنگره مورد بررسی قرار گیرد .

پنج سال حبس برای سخنگوی ادوار تحکیم

ایلنا : شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت عبدالله مومنی سخنگوی سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) را به پنج سال حبس که به مدت ۲۳ ماه به حالت تعلیق درمی‌آید، کاهش داد . فرهاد پروین وکیل مدافع وی با اعلام این مطلب اتهامات موکلش را اقدام علیه امنیت کشور و برگزاری تجمعات غیرقانونی عنوان کرد و گفت : مومنی پیش از این از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به پنج سال حبس که به مدت پنج سال به حالت تعلیق درمی‌آید و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده بود، اما دادگاه تجدیدنظر به دلیل اشتباهات حقوقی دادگاه بدوی، محکومیت موکلم را به پنج سال حبس که به مدت ۲۳ ماه به حالت تعلیق درمی‌آید، کاهش داد . وی افزود : دادگاه تجدیدنظر همچنین محکومیت پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی مومنی را حذف کرد .

سلطانی در دادگاه

ایلنا : جلسه رسیدگی به اتهامات عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری صبح امروز در شعبه ۱۰۰۴ دادگاه عمومی تهران برگزار می‌شود . سلطانی و وکلای مدافع وی صبح امروز در شعبه مزبور حاضر شده و به دفاع از اتهام انتسابی دایر بر توهین به دادستان تهران می‌پردازند . پیش از این شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری را از اتهام جاسوسی تبرئه، اما وی را به اتهام افشای اسناد محرمانه و تبلیغ علیه نظام به تحمل پنج سال حبس تعزیری و نیز پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم کرده بود .

سخنگوی کارگزاران: اصلاح‌طلبان ائتلاف می‌کنند

ایسنا : حسین مرعشی سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی احتمال شکل‌گیری رقابت‌های درون‌جناحی را در بین اصلاح‌طلبان در انتخابات آتی منتفی دانست و گفت : قطعاً اصلاح‌طلبان برای انتخابات پیش‌رو در نهایت به یک فهرست مشترک می‌رسند . وی با بیان اینکه خردگرایی و تجربه اصلاح‌طلبان در نهایت آنها را به یک فهرست نهایی می‌رساند، در عین حال گفت : با وجود اینکه مطمئنم اصلاح‌طلبان با گذشت نسبت به یکدیگر در نهایت به ائتلاف می‌رسند، اما از این باب تحلیلی از نحوه عملکرد اصولگرایان ندارم و هنوز اطلاعاتم در این زمینه کافی نیست .

پیشنهاد حضور زنان فقیه در لیست

ایسنا : فاطمه راکعی رئیس کمیته زنان جبهه مشارکت ایران اسلامی گفت : این کمیته پیشنهاد داده است تا در لیست انتخاباتی خبرگان از حضور زنان فقیه نیز استفاده شود . همچنین پیشنهاد شد تا مواردی که در شورای مرکزی با خواسته‌های زنان موافقت نشده است با ارتقای جایگاه آنها در حزب جبران شود . وی همچنین درباره سهمیه ۳۰ درصدی زنان در جبهه مشارکت تاکید کرد : پیشنهاد دیگر این بود که سهمیه ۳۰ درصدی زنان که همه جا باید تسری پیدا کند، در لیست اصلاح‌طلبان برای کاندیدای انتخابات شوراها در نظر گرفته شود؛ کنگره به این مورد نیز رای مثبت داد . همچنین چون سهمیه ۳۰ درصدی در مورد شورای مرکزی اعمال نشد به ما قول دادند در سطح دیگر آن را اعمال کنند .

نگرانی همسر موسوی خوئینی

ایسنا : همسر موسوی‌خوئینی گفت : هنوز از تبدیل قرار بازداشت موقت موسوی‌خوئینی اطلاع نداریم . زهره اسلامیان با ابراز نگرانی از وضعیت سلامتی موسوی‌خوئینی اظهار داشت : شنبه هفته جاری دو ماه از قرار بازداشت موقت موسوی‌خوئینی گذشته اما به رغم پایان این مدت هنوز به من یا وکلا اعلام نشده است که آیا قرار او تبدیل شده یا خیر .

حزب‌الله یک جنبش اجتماعی است

شرق : مجمع نیروهای خط امام در رابطه با مسائل لبنان بیانیه‌ای صادر کرد . در بخشی از بیانیه آمده است : «رژیم غاصب صهیونیستی و حامیان آن یک‌بار دیگر به این حقیقت دست یافتند که حزب‌الله محوشدنی نیست . چرا که برخاسته از متن جامعه لبنان و وابسته به جامعه بزرگ اسلامی - عربی است . حزب‌الله با اتکا بر باورهای اسلامی شکل گرفته است و امروز نماینده همه مردم لبنان است . حزب‌الله پژواک فریاد عدالت‌طلبانه و استقلال‌خواهانه همه مردم لبنان است؛ همان‌هایی که سال‌ها طعم تلخ تجاوز رژیم صهیونیستی را چشیده‌اند . امروز حزب‌الله تنها جریانی مسلح و مبارز نیست که جنبشی اجتماعی با آرمان‌های بلند ملی و انسانی است . اعضای حزب‌الله فرزندان معنوی حضرت امام و شاگردان روحانی روشن‌بین امام موسی صدر و پیروان صدیق ابراهیم خلیل به شمار می‌آیند که در مبارزه توحیدی خود از شعله‌های خشم و کین صهیونیستی که با حمایت قدرت‌های بیگانه به ویژه دولت آمریکا بر سر آنها فرود می‌آید واهمه‌ای ندارند . »

ارسال پرونده چهار متهم مراغه‌ای به دادسرای انقلاب

ایلنا : پرونده چهار تن از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر مراغه برای رفع نقص از پرونده به دادسرای انقلاب مراغه ارجاع شد . محمدرضا فقیهی وکیل مدافع داود عظیم‌زاده، مجید پژوه‌فام، یاشار حکاک‌پور و حامد یگانه‌پور با اعلام این مطلب گفت : قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب مراغه پرونده موکلانم را به جهت ایراداتی که در کیفرخواست وجود داشت و همچنین نقص تحقیقات به دادسرای انقلاب مراغه ارجاع کرد تا این پرونده پس از رفع نقص و ایرادات به دادگاه ارجاع شود .

لایحه جامع انتخابات در گفت‌وگوی شرق با دکتر سیدمحمد هاشمی

فیلتری برای دموکراسی

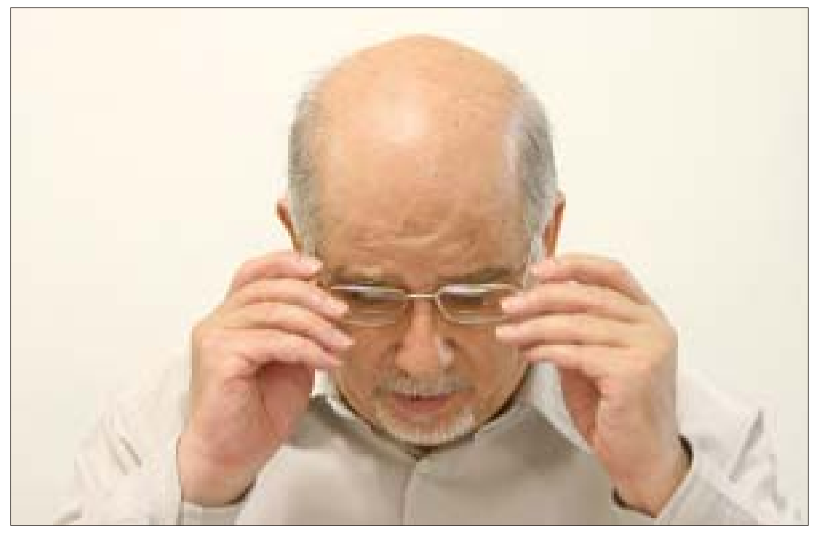

ادامه از صفحه اول

این با منطق دموکراسی و با منطق مدیریت از سوی دیگر تضاد دارد . لذا باید بر اساس روح قانون اساسی و منطق قانون اساسی که به تفکیک انتخابات را پیش‌بینی کرده، عمل کرد . انتخابات جامع را می‌توان برخلاف روح قانون اساسی دانست و اگر وارد جزئیات شویم خلاف متن قانون اساسی را هم مشاهده خواهیم کرد .

■ مهمترین موردی که در لایحه پیشنهادی جامع انتخابات نظر شما را به خود جلب کرد کدام بود؟

آنکه در انتخابات ریاست جمهوری پیش از ثبت‌نام باید ۲۳۰ نفر یک نامزد را مورد تایید قرار دهند .

■ تاییدیه‌های پیش از ثبت‌نام را از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، قضات و مدیران ارشد کشور با چه محمل قانونی قابل توجیه است؟

بر طبق قانون اساسی رئیس جمهور با رای مستقیم و بر اساس آرای مردم انتخاب می‌شود و باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط ویژه‌ای هستند، باشد . بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی هم مرجع تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری را شورای نگهبان دانسته . بنابراین، می‌توانیم بگوییم تشخیص صلاحیت جزء وظایف خاص و مقرر در بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی است . آنچه در ماده ۵۱ لایحه پیشنهادی وزارت کشور درخصوص داوطلبان پیش‌بینی شده که قریب به ۲۳۰ نفر قبل از ثبت‌نام باید صلاحیت نامزدها را تائید کنند خلاف صریح قانون اساسی است . بنابراین تشخیص صلاحیت داوطلبان صرفاً به عهده شورای نگهبان است .

■ در چنین شرایطی برای این که ایراد مخالفت موارد پیش‌بینی شده با قانون اساسی برطرف شود بحث اصلاح قانون اساسی را مطرح می‌کنند . چون قرار نیست قانون اساسی ابدی باشد و اگر ضرورتی وجود داشته باشد حکم آیه‌ای ندارد که نتوان آن را تغییر داد و اصلاح کرد؟ گرچه در این باره این ضرورت احساس نمی‌شود ولی بحث اصلاح قانون اساسی به میان آمده .

تائیدیه‌های افراد و مقامات مورد نظر که بیشتر از اعضای حکومت هستند خلاف منطوق دموکراسی است نه فقط قانون اساسی . رئیس جمهور باید از متن مردم باشد و این مقامات سیاسی، قضات حکومتی، مجلس خبرگان حکومتی و نمایندگان مجلس فیلتری بر سر راه دموکراسی محسوب می‌شوند . اعمال این شیوه القاءکننده نوعی اقتدارگرایی، اشرافیت و نفوذگرایی است که نه تنهااصل حاکمیت مردم را پایمال می‌کند؛ بلکه نوعی اهانت به آنان نیز محسوب می‌شود و به قول مرحوم دکتر شریعتی تبدیل «دموکراسی رایها» به «دموکراسی راس‌ها» است . کسانی که داوطلب ریاست جمهوری هستند یک سری صلاحیت‌هایی را باید دارا باشند که قانونگذار معیّن می‌کند و سپس از تائید آن صلاحیت‌ها انتخاب با مردم است نه با آن افراد . این امر نوعی اقتدارگرایی حکومتی در تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری است که عرصه را بر حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشتشان و دموکراسی تنگ می‌کند . این هم با روح قانون اساسی و هم با متن و هم با منطوق آن مغایرت دارد .

■ این واقعیت وجود دارد که زمان انتخابات ریاست جمهوری افراد بسیاری به عنوان نامزد ثبت‌نام می‌کنند و در میان افراد کسانی دیده می‌شوند که میان مردم ناشناخته‌اند و پیش از آن سابقه فعالیت اجتماعی و سیاسی نداشته‌اند در حالی که از شرایط رئیس جمهور بودن، رجل سیاسی و مذهبی بودن است . در این حالت تنها وقت شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت‌ها بیهوده صرف می‌شود . برای این معضل شیوه‌ای را می‌توان برگزید که به مانند راهکار اخیر مندرج در لایحه جامع پیشنهادی انتخابات هم نباشد که بسیار محدودکننده است و حتی اتفاق‌نظر در مورد یک کاندیدا را هم با مشکل مواجه می‌کند .

در اولین تجربه انتخابات ریاست جمهوری، عده زیادی وارد عرصه شدند حتی من شاهد داوطلب شدن یک آهنگر کم‌سواد بودم . قانون اساسی اصلی را پیش‌بینی کرده (اصل ۱۱۵) که رئیس جمهور باید از میان رجال سیاسی و مذهبی باشد و شرایط دیگری را هم مانند مدیر و مدبر بودن و . . . ذکر کرده است .

شورای نگهبان براساس واجد بودن شرایط مقرّر، باید صلاحیت داوطلبان را بررسی و تایید کند . با احراز شرایط مقرّر برای داوطلبان، همه آنها «صالح» محسوب می‌شوند و پس از آن، «انتخاب اصلح» بر عهده شهروندان خواهد بود که از طریق انتخابات صورت خواهد گرفت . در این خصوص، ما نمی‌توانیم نظام حقوقی و قانونی مقرر کنیم؛ بلکه باید رشد سیاسی و فرهنگی را در نظر بگیریم . کشورهایی که سالیان دراز دموکراسی را تجربه کرده‌اند، با چنین مشکلی روبه‌رو نیستند و این موضوع بیش از آنکه حقوقی باشد سیاسی و اجتماعی است . به طور قطع و یقین اگر توسعه سیاسی وجود داشته باشد، نهادهای مدنی متعدّد به صورت احزاب و گروه‌های منسجم، با جوشش مردمی متظاهر می‌شوند و داوطلبان ریاست جمهوری و پارلمان نوعاً از میان احزاب و این نهادهای مدنی برگزیده خواهند شد به این جهت که احزاب نوعاً افراد شاخص را معرفی می‌کنند .

چنانچه دوره‌های مختلف ریاست جمهوری را مدنظر قرار دهیم ملاحظه می‌کنیم جامعه از این بابت به سوی توسعه راهبری شده و نهادهای مدنی ابتکار عمل در معرفی داوطلبان داشته‌اند و مشارکت‌های بی‌رویه به تدریج تقلیل پیدا کرده است .

■ طبق مواد ۳، ۴ و ۵ لایحه پیشنهادی جامع انتخابات، انتخابات خبرگان با یک دوره از انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری با شوراها همزمان و همه‌پرسی هم حتی‌المقدور با یکی از دو انتخابات یاد شده باید همزمان باشد . آیا در یک زمان شدن فرصت انتخاب بهتر سلب نمی‌شود؟

از آنجا که تنوع نهادها، تنوع مشارکت مردم را هم اقتضا می‌کند و مردم با افکار و اندیشه‌های مشخص و (به اصطلاح حقوقی) «با قصد انشا» مشارکت می‌کنند تجمیع انتخابات موجب تضییع مشارکت متفکرانه مردم در تعیین سرنوشت خود است .

از طرف دیگر، از آنجا که در انتخابات رقابت‌های سیاسی ناشی از کثرت‌گرایی در یک جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار امری معقول و منطقی است، وجود انتخابات جامع ممکن است فضای خاصی را ایجاد نماید که عرصه را بر رقابت سالم تنگ کند و بدین ترتیب، در انتخابات همزمان گروه خاصی انحصاراً صاحب فضای سیاسی بشوند و این عرصه محدود راه را بر کثرت‌گرایی و در نتیجه مشارکت آزادیخواهانه مردم تنگ خواهد کرد . این موضوع با روح حاکمیت ملی مغایرت پیدا می‌کند .

بالاخره اینکه ممکن است داوطلبان حائز شرایط مشارکت در انتخابات متنوع باشند . در چنین صورتی اگر انتخابات همزمان باشد امکان مشارکت محدود می‌شود . در حالی که اگر انتخابات به طور مجزا صورت گیرد ممکن است فرد یا گروهی چنانچه در یک انتخابات پیروز نشوند در انتخابات دیگری که جداگانه انجام شود به پیروزی برسند .

■ افزایش سن رای‌دهندگان در انتخابات را در لایحه جامع پیشنهادی جدید در مورد انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان یا در قانون اساسی پیش‌بینی می‌شود و یا قانونگذار اساسی آن را به قانون عادی می‌سپارد . در شرایط انتخاب‌کنندگان، علاوه بر بلوغ، رشد هم قابل توجه است . رشد و بلوغ در قانون مدنی جدا مقرّر شده بود ولی بعد از انقلاب نسخ شد . اکنون سن بلوغ مجموعاً در کشور ما ۱۵ می‌باشد که مترادف با سن رشد می‌باشد . (مگر در امور مالی!) .

در انتخابات گذشته بیشتر سن بلوغ مورد توجه بوده . این مشارکت‌ها بیش از آنکه عاقلانه باشد احساسی به نظر می‌رسد و با انتخاب‌های بچگانه خلط می‌شود . در لایحه جدید جامع انتخابات در ماده ۴۸ شرط ۱۸ سال تمام برای انتخاب‌کنندگان از نکات مثبت آن به شمار می‌رود .

■ درباره شرایط کاندیداتوری انتقاداتی را مطرح می‌کنند مانند اینکه الزام فرد به دین و نظام قابل احراز نیست . صرف‌نظر از این موارد شرایط ورود به عرصه انتخاب شدن را چگونه می‌بینید؟

در مورد ریاست جمهوری اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط ویژه‌ای را برای انتخاب‌شوندگان مقرر داشته که این شرایط اساسی است و مقام تشخیص دهنده شورای نگهبان است .

در مورد انتخابات مجلس اصل ۶۲ قانون اساسی شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را در اختیار قانونگذار عادی قرار داده است .

در مورد شوراها نیز اصل یکصدم شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان را به عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است .

در انتخابات خبرگان رهبری هم اصل ۱۰۸ قانون اساسی تعیین شرایط نامزدها را به عهده مجلس خبرگان قرار داده .

اما به طور کلی در مورد شرایط انتخاب شدن می‌توانیم شرایط مثبت (ایجابی) و منفی (سلبی) را در نظر بگیریم . در شرایط ایجابی، علاوه بر شرایط شهروندی که باید فرد نامزد شهروند ایرانی باشد، یک سری از شرایط دیگر که مبتنی بر قابلیت‌ها است ضرورت می‌یابد مانند تحصیلات، موقعیت اجتماعی و سیاسی . همچنانکه در خصوص ریاست جمهوری رجال سیاسی و مذهبی بودن مطرح است . سواد، معلومات، تجربه و . . . به عنوان شرایط انتخاب‌شوندگان در حد انتظارات جامعه ضروری به نظر می‌رسد . همچنین براساس منطق حقوقی اصل بر اهلیت افراد است و کسانی که شرایط سنی، تابعیت ایرانی و اهلیت داشته باشند صالح برای انتخاب شدن و نیز انتخاب کردن هستند . در مورد انتخاب‌شوندگان است مگر آنکه خلاف آن به اثبات برسد که این اثبات همان شرط سلبی است؛ نظیر عدم سوء پیشینه . در صورت وجود شرایط، دیگر هیچ‌کس را به هیچ دلیل نمی‌توان محروم از حق انتخاب شدن کرد مگر آنکه به موجب حکم قضایی محکومیتی داشته باشد که مجازات محرومیت تبعی در آن مقرر شده باشد . این موضوع از اصل ۳۷ قانون اساسی هم مستنبط است که اصل برائت را بیان می‌کند .

■ در قانون مجازات اسلامی ایران ماده ۶۲ مکرر محرومیت‌هایی را برای افرادی که جرایم سنگین دارند در نظر گرفته که مدت آن از سه تا پنج سال است . افراد محروم حق انتخاب شدن ندارند اما در انتخاب کردن محدودیتی ندارند و در زندان هم مختار به رای دادن هستند .

کسانی که دوران محکومیت خود را گذرانده‌اند و دوران محرومیت خود را هم طی کرده‌اند در این حال شهروندی هستند که از حقوق اجتماعی برخوردارند .

■ در این باره قانون ایران پیشرفته‌تر از قوانینی مانند آمریکا به نظر می‌رسد چرا که در این زمینه قانون آمریکا فرد را تا آخر عمر از حق انتخاب شدن و حتی انتخاب کردن محروم می‌کند .

البته افرادی که مجرم واقعی و منفور باشند نوعاً نامزد نمی‌شوند ولی حقوق بشر و حقوق انسانی اقتضا می‌کند کسی که دوره محکومیتش پایان یافته بتواند در امور اجتماعی و سیاسی هم مشارکت کند و این موضوع منطقی به نظر می‌رسد .

■ رئیس جمهور به دلایلی مانند عزل، فوت و . . . نتواند عهده‌دار ادامه مسئولیت خود باشد تبصره ماده ۳۴ لایحه پیشنهادی عنوان می‌کند که اگر یک سال به پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری باقی مانده باشد معاون اول رئیس جمهور تا پایان آن دوره ریاست جمهوری می‌ماند .

بعضی می‌گویند معاون اول انتخاب مردم نبوده است و برخی معتقدند افرادی که رئیس جمهور را برگزیده‌اند به انتخاب معاون اول او واقف بوده‌اند . به نظر شما آیا حضور معاون اول به مدت یک سال بر مسند ریاست جمهوری محل اشکال است یا خیر؟

این تبصره مخالف صریح اصل ۱۳۱ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد «شورایی متشکل از رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود . »

به ترتیبی که ملاحظه می‌شود در این عبارت دو تکلیف مقرر شده یکی تکلیف به انجام انتخابات و دیگری تکلیف به حداکثر ظرف مدت ۵۰ روز، بنابراین، تبصره مذکور وجهه قانونی ندارد و یک مخالفت آشکار با قانون اساسی است .

■ نفس جانشینی یک ساله معاون اول دارای اشکال است یا چون تبصره ماده ۳۴ مغایر اصل مندرج قانون اساسی است به آن ایراد وارد است .

هر قانونی به‌ویژه قانون اساسی تا زمانی که تغییر نکرده لازم‌الاجرا است و هیچ مقامی حق ندارد خلاف قانون عمل کند . بدیهی است قانون اساسی وحی منزل نیست اما برای تغییر یا بازنگری قانون اساسی تدابیری اتخاذ شده که بر اساس آن باید عمل شود . بر اساس اصل ۱۷۷ می‌توان این بازنگری را ترتیب داد . مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور اصلاح یا ترمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری پیشنهاد می‌کند . به هر حال مصوبات این شورا پس از تایید مقام رهبری از طریق مراجعه به آرای عمومی به همه‌پرسی گذاشته می‌شود . بدین ترتیب تعرض به قانون اساسی به هیچ وجه قابل قبول نیست و این تعرض، تعرض به میثاق ملی و اهانت به ملت تلقی خواهد شد .

■ اگر مغایر با قانون اساسی نبود چنین محل مناقشه و اشکال نبود؟

در کل اصل ۱۲۱ اصل مدبرانه‌ای به نظر می‌رسد . با درک مراتب زمان اضطرار که پیش آمده بایستی هرچه زودتر رئیس جمهور جدید توسط مردم انتخاب شود تا با مسامحه و تاخیر در انتخابات لطمه‌ای بر حاکمیت ملی وارد نشود .

■ ارتقای مدارک تحصیلی در لایحه پیشنهادی مثبت به نظر می‌رسد . نظر شما راجع به این ارتقا چیست؟ زیرا مطابق این لایحه رئیس جمهور باید حداقل دارای مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن باشد . نمایندگان مجلس باید دارای حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن باشند و در مورد شوراهای اسلامی هم به تناسب روستا و شهر و تعداد جمعیت‌های آنان میزان مدرک تحصیلی تغییر می‌کند اما برای شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن ضروری است .

مشاغل نمایندگی به طور کلی نیازمند شایستگی‌هایی است که فرد نماینده بر اساس آن بتواند به انجام وظایف نمایندگی خود بپردازد . از جمله لوازم تامین‌کننده این شایستگی تحصیلات است . از آنجا که طی مراتب تحصیلی اطلاعات و مهارت‌هایی را به همراه می‌آورد وجود دانش دانشگاهی انتظار معقولانه‌ای به نظر می‌رسد . البته باید توجه داشت که ممکن است در جامعه افرادی با معلومات عالی و با مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار وجود داشته باشند که از طریق دریافت مدارک تحصیلی نباشد .

■ ماده ۲۶ لایحه پیشنهاد شده جامع انتخابات استفاده از نیروی نظامی و انتظامی را برای عضویت در هیات‌های اجرایی، نظارت و بازرسی و شعب اخذ رای ممنوع کرده است و در عین حال تبصره این ماده اعضای نیروهای مقاومت بسیج سپاه پاسداران را که جزء کادر رسمی نیستند از شمول ماده ۲۶ استثنا کرده است . از آنجا که کادر غیر رسمی هم نیروی نظامی به شمار می‌روند آیا دخالت آنها در امر انتخابات، دخالت نظامیان در این عرصه به شمار نمی‌رود؟

با توجه به تجربیات تاریخ دست‌اندرکاری نظامیان امری خطرناک است . دو تجربه را در کتاب حقوق اساسی ذکر کرده‌ام که یکی ماجرای آلیور کرامول است که یک مقام نظامی بود . او به ریاست رسید و با نظامی‌گری بعد از انتخاب شدن تمام نهادهای مردمی را منحل کرد و تجربه مهم دیگر از ناپلئون است . او یکی از نظامیان هیات مدیره منتخب مجلس کنوانسیون بود . با استفاده از اقتدار نظامی خود دوره اول ریاست جمهوری فرانسه را منکوب کرد و خود به عنوان امپراتور در راس قدرت سیاسی قرار گرفت . هر دو جزء کسانی بودند که با سابقه نظامی وارد دموکراسی شدند ولی سپس علیه دموکراسی اقدام کردند . در کل باید گفت نیروهای مسلح نباید ابتکار عمل سیاسی داشته باشند .

در هویت سیاسی نیروهای مسلح در نظام‌های مختلف، زمامداری نظامیان را می‌بینیم . همچنین اتحاد نیروهای مسلح و حزب حاکم مانند اتحاد شوروی سابق هم از نظام‌هایی با حضور نیروهای نظامی است . در حالی که در دموکراسی‌های آزاد نیروهای مسلح باید تبعیت داشته باشند و ابتکار عمل سیاسی نداشته باشند . معمولاً در چنین کشورهایی که دارای دموکراسی آزاد هستند نیروهای مسلح جزیی از قوه مجریه محسوب می‌شوند که تابع هستند و وارد تصمیم‌سازی‌های سیاسی نمی‌شوند . همچنین شیوه کار و نحوه اداره آنها در قانون تعیین شده است .

در قانون ایران هم براساس ماده ۲۹ (ر) قانون ارتش و ماده ۳۴ (د) اساسنامه سپاه پاسداران یکی از شرایط عمومی استخدام در سپاه و ارتش عدم عضویت در احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی است . در این باره، ماده ۲۷ اساسنامه سپاه، اعلام می‌کند سپاه تابع اختیارات ولایت فقیه بوده و از کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل است و خود نیز هرگز نباید در جامعه شخصیت حزبی پیدا کرده و به صورت یک حزب یا سازمان سیاسی عمل کند و باز براساس ماده قانون سپاه اعضای سپاه حق عضویت در هیچ گروه، حزب یا سازمان را ندارند و ادامه عضویت آنان موجب اخراج از سپاه خواهد بود . با این اوصاف تبصره ماده ۲۶ لایحه پیشنهادی غیرمنطقی است . بسیجی یک عنصر نظامی محسوب می‌شود و مداخله آن در امور سیاسی خطرناک به نظر می‌رسد و با توجه به تجربیات گذشته این امر آثار تلخی را بر جا خواهد گذاشت .

■ گفته می‌شود نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و تائید صلاحیت نامزدها اگر از نوع استصوابی نباشد پایه وجود این نظارت را سست می‌کند چون استطلاعی اثر اجرایی کافی نخواهد داشت . شما درباره این نظارت چه می‌گویید؟

نظارت شورای نگهبان نه استصوابی است نه استطلاعی بلکه انضباطی است . این نوع نظارت را پیشتر در مقاله‌ای در مجله تخصصی دانشگاه تربیت مدرس عنوان کرده‌ام و مصراً نظارت شورای نگهبان را انضباطی می‌دانم .

■ در مورد نظارت انضباطی توضیح بیشتری می‌دهید؟

ناظر استطلاعی فقط اعلام می‌کند اما شورای نگهبان می‌تواند انتخابات را باطل هم بکند . در نتیجه نظارت او قضایی و انضباطی است و باید نظارت نماید تا انتخابات به درستی انجام گیرد . وقتی می‌گوییم انضباطی یعنی شورای نگهبان ابتکار عمل و ذوق و سلیقه در تائید یا رد داوطلبان در انتخابات نداشته باشد و به عنوان نهادی بی‌طرف باید عمل کند .

■ در واقع برخی بر همین اساس انتقاد به نظارت استصوابی را معطوف به دامنه و حدود آن نظارت می‌کنند و می‌گویند نظارت شورای نگهبان نباید محدود و ایدئولوژیکی شود .

شورای نگهبان تنها باید براساس مضمون قانون نظارت کند و نباید غیر از آن عاملی را وارد بررسی‌های خود کند .

■ آیا وقتی اثر نظارت شورای نگهبان مشاهده می‌شود و آنچه عنوان می‌کند باید به اجرا درآید نشان‌دهنده استصواب نیست؟

خیر، استصوابی نیست . سلیقه نباید داخل تصمیم‌گیری شود و نباید پا از قانون فراتر رود . مثلاً در انتخابات گذشته رد صلاحیت‌های شورای نگهبان به حدی بود که مقام رهبری ناگزیر وارد ماجرا شدند و یکی دو نفر دیگر را وارد عرصه انتخابات کردند . شورای نگهبان نباید سلیقه‌انگاری کند و صرفاً مانند یک قاضی باید مطابق قانون عمل کند . این نظارت استصوابی نیست بلکه انضباطی است . این در حالی است که مجلس شورای اسلامی در برخی از نظارت‌های خود استصوابی عمل می‌کند . مثلاً اگر ایران بخواهد با آلمان قراردادی منعقد کند اگر مجلس به هر دلیلی صلاح نداند می‌تواند آن را رد کرده و مخالفت کند . در واقع دارای ابتکارعمل است ولی شورای نگهبان حق ابتکار عمل ندارد و باید مطابق مر قانون عمل کند .

■ در کشورهای دیگر نهادهای ناظر بر انتخابات (نهادهای مشابه شورای نگهبان) چگونه‌اند؟

نظارت بر انتخابات ضرورت دارد و به اهمیت این نظارت در قوانین اساسی کشورها توجه شده . سعی می‌شود افراد قوه ناظر ذی‌نفع نباشند . از مهم‌ترین تجربه‌های کشورهای دیگر در ایجاد قوه ناظر نظارت یا از طریق قوه مقننه است یا از سوی یک نهاد یا سازمان مستقل و بی‌طرف یا اینکه نظارت قضایی است مثلاً از طریق دادگاه‌های عالی یک کشور اعمال می‌شود . در کشور ما براساس اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس و همه‌پرسی بر عهده شورای نگهبان است . در مجموع مقام ناظر یا قوه ناظر باید از صلاحیت‌های اخلاقی و قانونی کافی برخوردار باشد . صلاحیت اخلاقی موضوع مهمی است چرا که شورای نگهبان به عنوان امین محسوب می‌شود و بیشتر شورا دارای مسئولیت اخلاقی است اما در مورد صلاحیت‌های قانونی اعضای شورا برای اینکه بتوانند ناظر صالح باشند باید علاوه بر شرایط مندرج در قانون اساسی دو شرط سلبی در مورد آنها مورد توجه قرار گیرد .

شرط اول، عدم عضویت و نقش موثر در احزاب و گروه‌های سیاسی است چون در انتخابات رقابت میان گروه‌های سیاسی است و در صورت نادیده گرفتن این شرط موقعیت بی‌طرفی آنان مخدوش می‌شود . شرط دوم، منع جمع مشاغل است . چون اقتدار ناشی از سمت‌ها و مشاغل آنان ممکن است بر نظارت بی‌طرف تاثیر بگذارد . به این دلیل حتماً این دو شرط سلبی باید رعایت شود تا اعضای شورا بتوانند بی‌طرفی خود را حفظ کنند .

■ براساس فصل ۵ پیش‌نویس لایحه پیشنهادی، نظارت بر انتخابات بر عهده هیات نظارت شورای نگهبان است . در این مورد نکته خاصی قابل توجه است یا خیر؟

براساس اصل ۹۹ قانون اساسی «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری و ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد . » و شوراها مشمول نظارت شورای نگهبان نیست با توجه به اینکه انتخابات شوراها نیز در پیش‌نویس لایحه جامع انتخابات منظور شده است در این مورد شورای نگهبان صلاحیت نظارت بر انتخابات شوراها را ندارد . براساس اصل حاکمیت قانون انجام وظایف عمومی در محدوده قانون اساسی است و در برخی موارد با مجوز قانون اساسی و به موجب قانون عادی است . از آنجا که اصل ۹۹ تصریحاً نظارت شورای نگهبان را محدود به سه انتخابات و همه‌پرسی کرده و انتخابات شوراها در این اصل مورد اشاره قرار نگرفته است، سپردن وظیفه نظارت، تجاوز از اصل مقرر در قانون اساسی به شمار می‌رود . در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است مگر آنکه قانون مقرر داشته باشد و این صلاحیت صرفاً در محدوده قانون است بنابراین صلاحیت شورای نگهبان در محدوده اصل ۹۹ است و لاغیر!

■ پس چه کسی این وظیفه را باید بر عهده داشته باشد؟

در قانون اساسی نظارت بر انتخابات شوراها پیش‌بینی نشده است اما اولاً براساس اصل هفتم قانون اساسی شوراها که در راس آنها مجلس شورای اسلامی است از ارکان تصمیم‌گیری و ارکان اداره کشورند . از طرفی براساس فصل هفتم قانون اساسی که ساختار شوراها را پیش‌بینی کرده است، اصل یکصدم اشاره به شوراهای محلی (روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان) کرده است . به این ترتیب شوراها مظهر عدم تمرکز در اداره امور محلی است ولی باید توجه داشت که اداره امور محلی باید براساس سلسله مراتب و «با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد . » از آنجا که براساس اصل هفتم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عالی‌ترین مراتب شوراها قرار دارد و در انجام وظایف شورایی خود پاسدار اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی است . این سلسله مراتب اقتضا می‌کند که این عالی‌ترین نهاد (مجلس شورای اسلامی) بر مشروعیت انتخابات شوراهای محلی نظارت داشته باشد . بنابراین محتویات منطقی قانون اساسی (اصول ۷ و ۱۰۰) مبین مشروعیت نظارت مجلس بر انتخابات شوراها است . و به این دلیل در قانون کنونی انتخابات شوراها به طور منطقی این نظارت را بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته است .

بازتاب

یک پاسخ به دو مطلب

محمدکاظم انبارلویی*

در پاسخ به دو نقد برادر عزیزم جناب آقای فرید مدرسی تحت عنوان «نقدهای بی‌پاسخ» در تاریخ ۸۵/۵/۲۱ و «سکوت موتلفه» در تاریخ ۸۵/۵/۲۴ که در شرق درج شده خواهشمند است که نکات زیر را به نحو مقتضی منعکس فرمایید .

۱- به مناسبت روز خبرنگار روابط عمومی حزب موتلفه اسلامی ضیافت شامی در هتل انقلاب در شامگاه ۸۵/۵/۱۸ تشکیل داد . فلسفه تشکیل این نشست همانطور که از دعوت‌نامه ارسالی برمی‌آید یک نشست صمیمانه به منظور تجلیل از رابطین خبری با حزب بود . اما خبرنگار محترم شرق بدون توجه به اعلام برنامه و بدون اعتنا به متن دعوت‌نامه، همین نشست را دستمایه دو نقد بی‌ربط با موضوع تشکیل جلسه و توام با بی‌مهری قرار دادند . موضوع دعوت نه نقد موتلفه بود و نه یک پرسش و پاسخ مطبوعاتی، اما خبرنگار محترم شرق در مقاله «نقدهای بی‌پاسخ» به گونه‌ای مسائل را مطرح کردند که گویی این نشست «نقد» موتلفه بوده و در مقاله «سکوت موتلفه» هم طوری نوشتند که گویی پاسخ موتلفه به نقدها، «سکوت» بوده است . به نظر می‌رسد عدم صداقت و عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای کمترین ایرادی است که می‌شود به خبرنگار شرق وارد کرد .

۲- در آن نشست غیر از بنده، دبیرکل و چهار تن از اعضای شورای مرکزی هم شرکت داشتند و هر کدام حرفی زدند و بنده هم از باب گشودن باب گفت‌وگو در خصوص جایگاه مطبوعات، احزاب و دانشگاه به عنوان سه نهاد مدرن در جامعه ما مطالبی عرض کردم و از رابطین خبری تقاضا کردم به سئوالاتی که در این باب مطرح است برای استفاده جمع و خود بنده پاسخ دهند . برخی از دوستان مطالب خوبی مطرح کردند که قابل استفاده بود . لکن نوبت به خبرنگار شرق که رسید چون حرفی در این حوزه نداشت شروع به دفاع از چند روزنامه‌نگار زندانی و طرح چند سئوال خارج از موضوع جلسه کرد که با توجه به حضور دیگر اعضای حاضر و وقتی که برای سخنان آنها در نظر گرفته شده بود به صورت طبیعی فرصتی برای پاسخ نبود .

۳- بنده در مدت کوتاه مسئولیتم در سمت جدید در حزب موتلفه اسلامی دو بار با شرق مصاحبه کردم . اتفاقاً بار دوم مصاحبه همان روز دعوت و در حاشیه جلسه بود . لذا این طور نبوده است که از پاسخ به سئوالات گریزان بوده و یا سکوت کرده باشم .

۴- به هر حال شرق اگر سئوالاتی دارد می‌تواند مثل گذشته ارتباط بگیرد، پاسخ می‌دهیم و نیاز به سیاه‌پردازی و مقاله‌نویسی ندارد .

۵- اگر خبرنگار محترم شرق قصد تشویش اذهان، خلاف‌گویی و ایراد تهمت نداشت، بنده در مقام پاسخگویی برنمی‌آمدم . مشی خبرنگار شرق با صبوری‌ای که از برخی اعضای محترم تحریریه شرق سراغ دارم متفاوت به نظر می‌رسد . امیدوارم تکرار این برخوردهای فاقد اخلاق حرفه‌ای به روابط مرکز سیاسی حزب موتلفه اسلامی با جریده شرق آسیب نزند .

*رئیس مرکز سیاسی حزب موتلفه اسلامی

خبرها

محمدرضا خاتمی در دادسرا

ایسنا : روز دوشنبه محمدرضا خاتمی در شعبه ششم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت حاضر شد . حسین آبادی وکیل مدافع محمدرضا خاتمی با اعلام این خبر گفت : روز گذشته به همراه موکلم در شعبه ششم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت حاضر شدیم که موکلم تفهیم اتهام شد و تحقیقات لازم صورت گرفت . وی با بیان اینکه مدعی‌العموم شاکی این پرونده است، خاطرنشان کرد : اتهامات مطرح شده مربوط به مصاحبه‌های موکلم در دوران نمایندگی‌اش به‌ویژه در زمان تحصن نمایندگان مجلس است .

سه لیست جداگانه اصولگرایان

آفتاب : «جوادآرین‌منش» عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی گفت : «تلاش اصولگرایان دستیابی به یک لیست واحد در انتخابات آینده شوراها است زیرا در صورت تحقق پیدا نکردن این امر مهم، امکان ارائه ۳ لیست جداگانه در این انتخابات وجود خواهد داشت . »وی افزود : «در صورت محقق نشدن لیست واحد اصولگرایان، انتخابات آینده شوراها صحنه رقابت سه لیست اصلاح‌طلبان، ستادهای حامی رئیس‌جمهور و لیست مشترک جبهه پیروان خط امام و رهبری و شورای هماهنگی نیروهای انقلاب که به صورت سنتی اقدام به ارائه لیست می‌کنند، خواهد بود . »

موتلفه مستقل وارد انتخابات نمی‌شود

ایسنا : محمدنبی حبیبی دبیرکل موتلفه گفت : حزب موتلفه قصد ورود مستقل به دایره انتخابات را ندارد و همت خود را صرف تقویت وحدت و انسجام بین اصولگرایان خواهد کرد . وی با تصریح بر اینکه حزب موتلفه هنوز وارد شناسایی و انتخاب مصادیق نشده است، گفت : همت ما در حزب موتلفه این است که انسجامی را که بین اصولگرایان به طور نسبی برای انتخابات مجلس خبرگان و شوراها به وجود آمده است تقویت کرده و شناسایی مصادیق آخرین موضوع بوده و کار زمان‌بری نیست .

احتمال ائتلاف با طرفداران احمدی‌نژاد

ایلنا : کمال سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری گفت : طرفداران و ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد را خارج از دایره اصولگرایان نمی‌دانیم و احتمال ائتلاف و هماهنگی با آنها در انتخابات شوراها دور از ذهن و بعید به نظر نمی‌رسد . وی افزود : با توجه به اشتراکاتی که بین ما و اعضای ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد وجود دارد امکان ائتلاف با آنها بعید نیست . وی همچنین از برگزاری دو جلسه توسط کمیته انتخابات جبهه پیروان خط امام و رهبری خبر داد و گفت : سومین جلسه این کمیته پنجشنبه هفته جاری در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان و شوراها برگزار خواهد شد .

دو راهبرد انتخاباتی ایثارگران

ایسنا : «لطف‌الله فروزنده» قائم‌مقام جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با اشاره به مباحث صورت گرفته در جلسه شورای مرکزی این جمعیت در خصوص انتخابات گفت : «جمعیت ایثارگران دو راهبرد داخلی را در این انتخابات دارد . اول آنکه اصولگرایان با ارائه یک لیست واحد و نمایش انسجام و همگرایی بالا، با پیروزی در انتخابات نهضت خدمات‌رسانی به مردم را به تداوم بخشند و راهبرد دوم، تلاش برای ارائه نقد عملکرد دوران حاکمیت دوم خرداد است . چرا که در صورت حاکمیت مجدد این جبهه سیاسی که همچنان بر مشی گذشته خود تاکید می‌کند، استمرار روند ناکارآمدی و تنش‌زایی را در عرصه عمومی شاهد خواهیم بود . »